

# عکاسی

هادی

## کمپوزیسیون (ترکیب بندی)

تا بدینجا اقسام دوربین‌ها را شناختیم ، با ساختمان آنها و طرز استفاده از دستگاههای مختلف هر یک آشنا شدیم ، انواع گوناگون فیلم‌ها و فیلترها و راه بکاربردن آنها را یاد گرفتیم ، مسائلی از قبیل انتخاب سرعت و یا دیافراگم برای عکسبرداری از موضوعات در حال حرکت و یا ایجاد میدان وضوح بشکلی که مورد لزوم است دیگر جزء مجهولات نیست ، یعنی بر آنچه که مربوط به تکنیک عکاسی است آگاهی یافتیم .

با معلوماتی که تا اینجا بدست آوردیم میتوانیم در هر وضع و موقعیت فیلمی متناسب انتخاب کنیم و نسبت به نور و فیلم موجود سرعت و دیافراگم صحیح را مورد استفاده قرار دهیم . همچنین فواصل را بدقت سنجیده و دوربین را نسبت بآن تنظیم کنیم . نتیجه‌ی این اعمال بدست آوردن تصویری کاملاً واضح و خوانا است که هیچگونه نقص فنی ندارد . اما این معلومات و اطلاعات برای تهیه‌ی عکس خوب و جالب کفایت نمیکند و لازم است به خواص فنی تصویر ارزش هنری نیز اضافه گردد .

یک نفر نقاش میتواند بمیل خود هر چه را که مایل باشد بتابلوی خویش بیفزاید و آنچه را بخواهد از آن حذف کند رنگها را در هم آمیزد و از هر رنگی در هر قسمتی که لازم بداند استفاده کند . در صورتیکه هیچیک از این امکانات برای عکاس وجود ندارد و تنها بوسیله‌ی کمپوزیسیون و نور است که میتواند بموضوع انتخابی خود ارزش ببخشد .

در این دنیای نامتناهی که حد و مرزی ندارد و اشیاء بسیار متعدد دوروبر انسان را فرا گرفته ابتدا باید «موضوع و تم» تصویر را انتخاب کرد و پیش از هر چیز در مورد «کادر» ی که آنرا در میان خود خواهد گرفت دقت و توجه کافی بعمل آورد . زیرا تصویری خوش آیند بوده و بدیدگان ما حظ و لذت می‌بخشد که حقیقتاً ارزش هنری داشته باشد و این در صورتی است که عناصر متشکله‌ی آن از روی دقت و سلیقه انتخاب گردیده و در



تصویر ۱

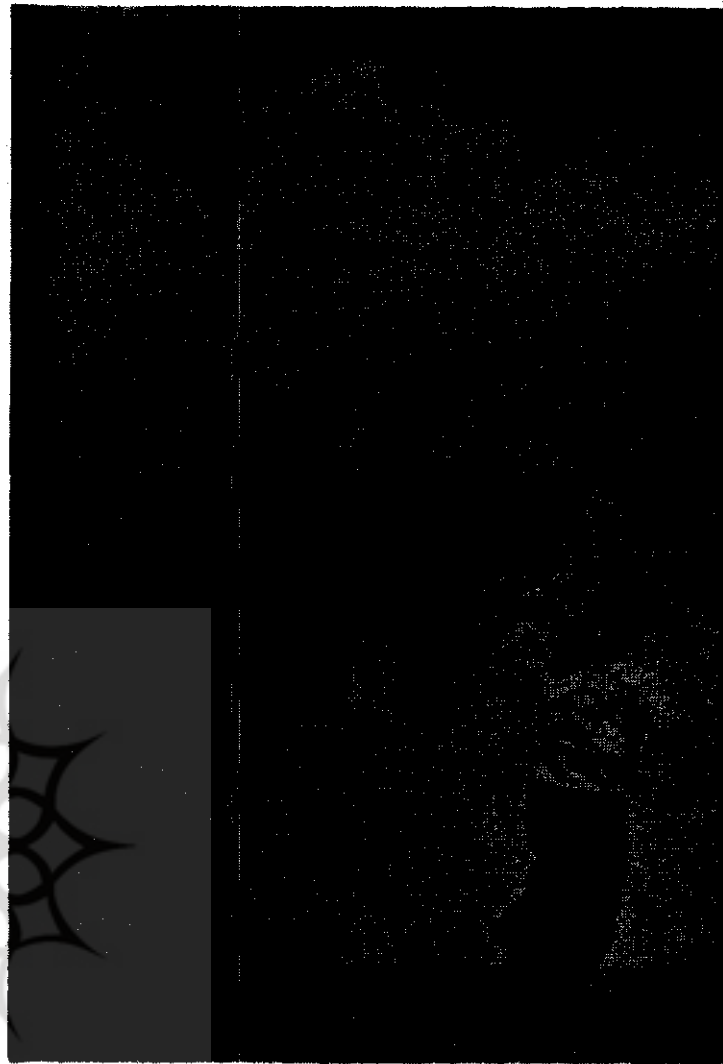
سطح تصویر بطرز خوب و جالبی قرار گرفته باشد .  
عمودی یا افقی ؟

پس از انتخاب موضوع اولین سؤالی که پیش می‌آید اینست که آنرا از فضای لاینتهای چگونه باید جدا کرد ، عمودی یا افقی ؟

در دوربین‌هایی که دارای سطح تصویر مربع هستند (مانند رولیفکس و نظایر آن) این مسئله در موقع عکسبرداری پیش



تصویر ۳



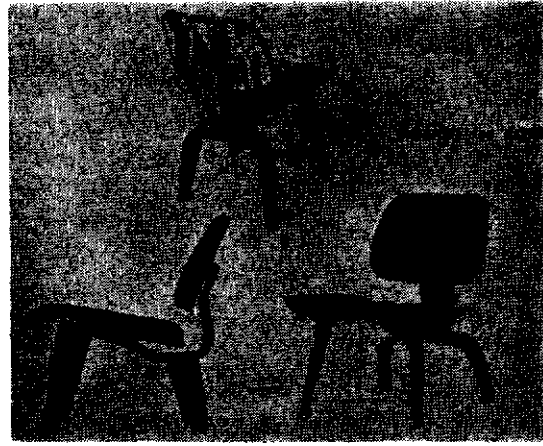
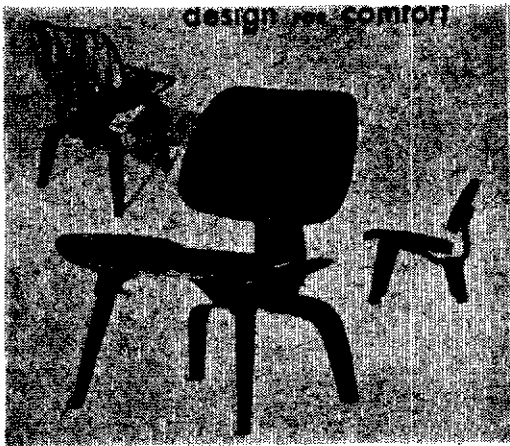
تصویر ۴

تصویر ۴ - تردید و سرگردانی در انتخاب یکی از دو موضوع ۴۰ ارزش!  
 اگر تفوق و برتری قابل ملاحظه‌ای در میان آنها باشد موضوع جالب‌تر  
 خریدار را بدون شک و دودلی در انتخاب خود مجبور میسازد.



نمی‌آید، اما در انواع دیگر با دقت زیاد و از روی مطالعه‌ی کامل، بدون تعجیل در کار، کادر مورد لزوم را باید انتخاب کرد. عناصر غیر ضروری، تا آنجا که موضوع اصلی در روی تصویر سطح کافی اشغال کند، لازم است حذف گردد. نگهداشتن این عمل برای بعد (موقع آگراندیسمان) صحیح نیست زیرا در نگاتیف هر چه تصویر بزرگتر باشد نتیجه بهمان نسبت بهتر و جالب‌تر خواهد بود. بنابراین از گرفتن عکسی که در وضع عمودی صحیح‌تر و زیباتر است بطور افقی و یا برعکس آن باید خودداری کرد. اغلب آماتورهای مبتدی باین موضوع مهم ابداً توجه ندارند که حذف قسمت عمده‌ی از تصویر در موقع آگراندیسمان، برای ایجاد کادر صحیح، سطح قابل استفاده‌ی نگاتیف را بسیار تقلیل می‌دهد.

بدین ترتیب اولین قدم در کمپوزیسیون با تشخیص و انتخاب یکی از دو حالت عمودی یا افقی برداشته میشود.



تصویر ۵ - سه موضوع هم‌ارزش که نگاه تماشاچی در انتخاب یکی از آنها نمیتواند تصمیم بگیرد ولی با تغییر دادن نسبت آنها این عمل براحتی ممکن میگردد

### نقطه‌ی دید

به محلی که عدسی دوربین قرار میگیرد نقطه‌ی دید گفته میشود، زیرا درحقیقت مانند اینست که انسان چشم خود را در همان جا قرار دهد و آنچه را که در برابرش واقع شده تماشا کند. اکثراً عادت بر اینست که دوربین را تا مقابل چشم بالابیاورند و در همان حال از ویرر موضوع رابه بینند و عکس آنرا بگیرند. چنین تصویری با آنچه که انسان با چشم خود می بیند چندان تفاوتی نداشته معمولاً علاقه و توجهی در تماشاکننده‌ی آن بر نخواهد انگیخت. بعضی از عکس‌ها تمام ارزش و اهمیت خود را مدیون نقطه‌ی دید بیسابقه‌ئیست که از طرف گیرنده‌ی آن کشف شده است.

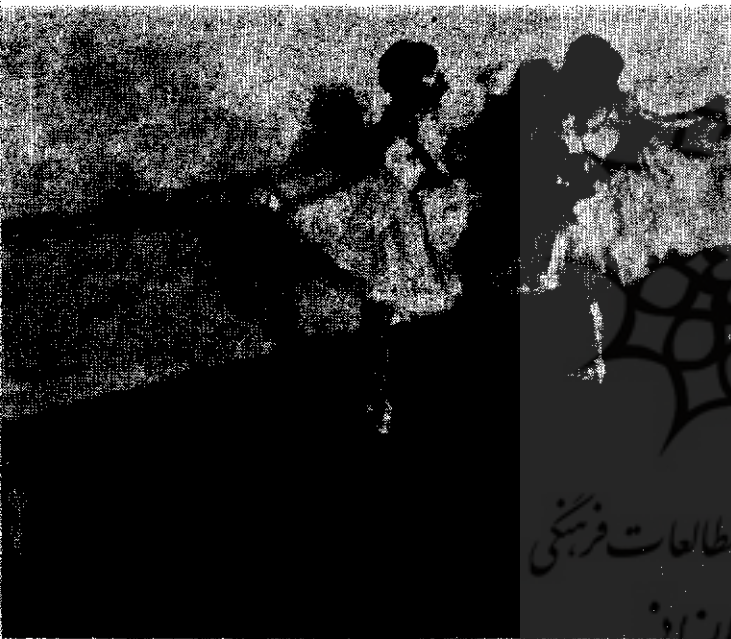
دوربین خود را پائین بیاورید و از آنجا روبالا عکس بگیرید (تصویر ۱) باز هم پائین‌تر ببرید، تا آنجا که با چشم سگ و گربه همسطح شود، از این نقطه تصاویر جالبی بدست خواهید آورد آنچنانکه این حیوانات بدنای ما مینگردند و آنرا می بینند. اگر دوربین رفلکس دواژرکتیف دارید میتوانید آنرا روی سطح زمین قرار دهید (تصویر ۲).

همچنین وقتی در طبقات بالای ساختمانی هستید نگاهی از پنجره بخیابان بیفکنید، موضوعات جالبی خواهید یافت، یعنی در حقیقت بموضوع‌های عادی حالات جالبی خواهید بخشید (تصویر ۳).

بدین ترتیب ازشت تمام تصاویر، بطوریکه نواخت و مبتذل - از همانجائیکه چشم انسان می بیند بحد امکان اجتناب و درعین حال از گرفتن تمام عکس‌ها از بالا و پائین نیز خودداری کنید.

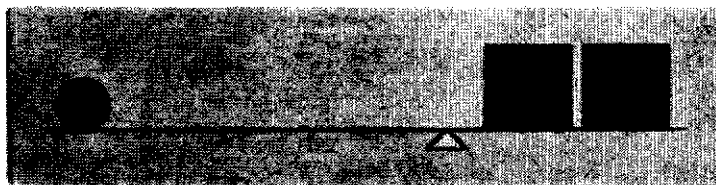
### وحدت

برای اینکه تصویری واضح و قابل فهم، خوش آیند و خوانا و کاملاً جالب و گیرا باشد لازم است که در آن چند

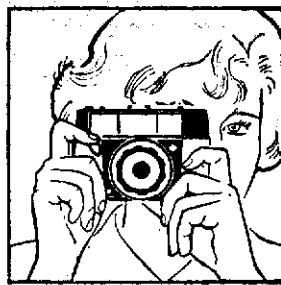


تصویر ۶ - تابلو بالربین‌ها اثر دگا

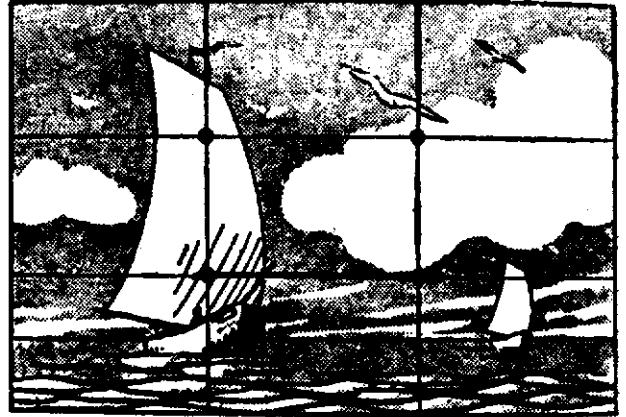
تصویر ۷ - حفظ توازن تابلو بموجب قوانین فیزیکی



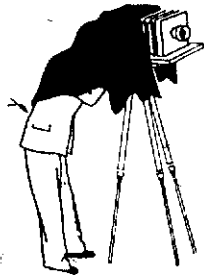
برای گرفتن عکس‌های افقی  
دوربین را فقط باین شکل باید  
گرفت



ولی برای تصویر عمودی آنرا بدو حالت میتوان در برابر چشم نگهداشت



خطوط و نقاط قوی تابلو



دوربین‌های بزرگ و سنگین همیشه  
بر روی سه پایه سوار است و استفاده از  
آنها در همه جا امکان ندارد

اما دوربین‌های کوچک سبک در همه  
جا و بهر شکلی قابل استفاده می‌باشند  
و در سرعت‌های پایین‌تر از  $\frac{1}{25}$  ثانیه اگر  
دسترسی به سه پایه نباشد از تکیه‌گاهی  
حتماً استفاده باید کرد تا از تکان خوردن  
دست و دوربین جلوگیری شود



لازم نیست فلاش همیشه روی دوربین باشد، آنرا از دستگاه جدا کنید  
و در جاییکه مناسب میدانید نگهدارید. اما فراموش نکنید که محاسبه‌ی  
دیفراگم با فاصله (فلاش - تا - موضوع) بستگی دارد



موضوع مختلف با اهمیت مساوی و یکسان بچشم نخورد و با اصطلاح  
چندین مرکز توجه هم ارزش نداشته باشد. زیرا در اینصورت  
چشم تماشاچی در انتخاب یکی از آنها دائم متردد بوده و نخواهد  
توانست مصمم به برگزیدن یکی و عطف تمام توجه نسبت بآن  
گردد (تصویر ۴). غرض از گرفتن عکس نشان دادن هر کدام  
از موضوعات که باشد آنرا بزرگتر و بهتر از دیگران باید نمایند  
و از دیگران بعنوان مراکز توجه درجه دوم و تکیه‌گاهی بموضوع  
اصلی کمک گرفت (تصویر ۵). در اینصورت است که هر یک از  
موضوعها - نسبت بارزش و اهمیت خود - سطحی متناسب  
در روی تصویر اشغال خواهد کرد.

علاوه بر این برای اینکه در مجموعه‌ی عکس احساس  
توازن گردد لازم است نواحی روشن و تیره در تمام سطح تصویر  
آگاهانه و از روی حساب تقسیم شود (تصویر ۶).

رعایت مطالب فوق باعث خواهد شد که در بین اجزاء  
تصویر همبستگی و وحدت ایجاد شود.  
خطوط و نقاط قوی

از تقسیم عرض و طول هر تابلو (عکس یا نقاشی) به سه  
قسمت مساوی چهارخط و چهارنقطه بوجود می‌آید که آنها را  
خطوط و نقاط قوی مینامند.

طبق قوانین و قواعد کلاسیک کمپوزیسیون موضوع‌های  
اصلی باید در روی این خطوط و یا نقاط قرار گیرند (تصویر ۷)  
البته رعایت این دستور برای مبتدیان بسیار مفید و نتیجه‌بخش  
است ولی پیروی از آن اجباری نیست - زیرا تصاویری هم  
دیده میشود که بخاطر سربچی از این قاعده و دستور درکمال  
قدرت و زیبایی خودنمایی میکند.  
نباید فراموش کرد که: موفقیت، غالباً پاداش جسارت است.